

مسئلاً معرفه اسمی است که نزد انسان، شناخته شده باشد و نکره آن است که ناشناخته باشد؛ اما برای شناخت آن ها چه باید کرد تا دچار اشتباه و شک و شبهه نشویم؟ مایه را براساس انواع معرفه می گذاریم . در صورتی که کلمه ی مورد نظر جزء هیچ یک از انواع معرفه نباشد ، در قسمت نکره قرار می گیرد .  
معمولاً کلمه ای که نکره است، تنوین دارد ؛ اما تنوین مستقیماً علامت نکره نیست؛ زیرا بعضی از اسم ها اصلاً تنوین پذیر نیستند و از طرفی بعضی از انواع علم هستند که تنوین می گیرند (مانند "محمد").

علم (اسم خاص) : محمد ، فاطمة ، ایران ، زاینده رود و ..

ضمیر : ی ، هی ، أنت ، إياك و ..

اسم اشاره : هذا ، هذه ، ذلك ، تلك ، هذان ، هذين ، هاتان ، هاتين ، هؤلاء ، أولئك ، هنا ، هناك

اسم موصول : الذي ، التي ، اللذان ، اللذين ، اللتان ، اللتين ، اللاتي ، من (کسی که) ، ما (چیزی که)

مُعَرَّف بَال (تمام اسم ها بی که با ال همراهند): کتاب (درالکتاب)، قلم (درالقلم)، مدرسه (درالمدرسة) و ..

مُعَرَّف بِإِضَافَةٍ (یا : مضاف به معرفه) : "صف" در صف المدرسة ، "کتاب" در کتابی و ..

معارف

توجه:

۱. علم انواع مختلف و تقسیم بندی های گوناگونی دارد که از بحث ما خارج است. مانند انواع کنیه ، لقب ، اضافه و غیره .

۲. مضاف به معرفه، اسمی است که با مضاف شدن به یکی از معرفه های پیش از خود، معرفه شود. مانند مثال های بالا.

۳. مضاف به معرفه ، معرفه است و مضاف به نکره ، نکره . مثلاً: "کتاب" در "کتاب التلمیذ" معرفه است ، زیرا مضاف به معرفه ای شده است، اما "کتاب" در "کتاب تلمیذ" نکره می باشد، زیرا مضاف إليه آن نکره است .

۴. در هر صورت معرفه نسبت به نکره ، ارجح است و علم نسبت به دیگر انواع معرفه ، ارجح . بنابراین در صورتی که یک اسم علم تنوین داشته باشد، "معرفه (از نوع علم)" محسوب می گردد و اگر یک اسم علم با ال بیاید، از انواع معرفه ، "علم" به حساب می آید، نه معرف بَال. مانند: محمد، علی که معرفه (علم) هستند والحسن ، الحسن معرفه (علم). پس علم بودن، مهم تر است.

\*\*توجه: نکات بالا تنها جهت اطلاع برای انجام راحت تر تست های کنکور است و در کتاب تنها به علم و ال اشاره شده است.

۵. سؤال مربوط به این درس: - انواع سؤال های ترجمه.

- عَيْنِ المعرفة و النَّكْرَةَ فيما تحته خط.

- عَيْنِ أنواع المعرفة فيما تحته خط.

**\*\*ترجمه ی اسم نکره:**

علامت نکره در زبان فارسی:

- جاء معلّم
۱. "یک" در اول اسم نکره: یک معلّم آمد.
  ۲. "ی" در آخر اسم نکره: معلّمی آمد.
  ۳. "یک" و "ی" (باهم): یک معلّمی آمد.

**\*\*ترجمه ی اسم معرفه با ال:**

- جاء المعلّم
۱. "آن" در اول اسم معرفه: آن معلّم آمد.
  ۲. علامت نکره نداشته باشد! : معلّم آمد.

**\*\*\*مهم:** در جمله ی اسمیه اگر یک اسم نکره، خبر واقع گردد ← به صورت نکره ترجمه نمی کنیم.

العلمُ كَنَزٌ. دانش، گنج است. نمی گوئیم: دانش، گنجی است. (العلمُ: مبتداء، كَنَزٌ: خبر)

اما اگر این خبر نکره، صفت داشته باشد (چه صفتِ اسمی و چه صفتِ فعلی) ← به صورت نکره ترجمه می کنیم.

العلمُ كَنَزٌ مفيدٌ. دانش، گنج مفیدی است. (العلمُ: مبتداء، كَنَزٌ: خبر، مفيدٌ: صفتِ كَنَزٌ)

حقیقی